

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۰۶ می ۲۰۱۴

هفتاد و هفتمین سالگرد قتل عام کردهای «درسیم»!



روز چهارم ماه مه، نخستین روز آغاز کشتار مردم «درسیم» توسط نظامیان ترکیه در شمال کردستان است. این کشتار، در سال های ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۸ به وقوع پیوست و طی آن ده ها هزار کرد به دستور حکومت ترکیه قتل عام و برخی تبعید شدند.

آمارهای متفاوتی در مورد قتل عام درسیم اعلام شده است. برخی آمارها حاکی از قتل عام حدود ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر در حملات نیروی هوایی و زمینی ترکیه به درسیم است. اما حکومت ترکیه مدعی است که ۱۲ هزار نفر در این جریان کشته شده اند.

هزاران نفر از کسانی که در آنزمان از این واقعه جان سالم به در بردند نیز به شهرهای مانیسا، دنیزلی، اسکی شهیر و بالک اسیر تبعید شدند.

بسیاری از کودکانی که والدین شان توسط نظامیان ترکیه کشته شده بودند نیز به خانواده های ترک تحویل داده شدند تا از این طریق زبان و هویت شان را فراموش کنند.

هدف حکومت ترکیه در آن زمان، نابودی **درسیم** و کشتار وسیع مردم کرد بود. در تاریخ ۴ می ۱۹۳۷، هیأت وزیران و مجلس ترکیه گزارشات محرمانه ای تهیه کردند. در قسمتی از این گزارش ها، دستورات و نقشه های کشتار مردم **درسیم** آمده است که سال ها پس از این وقایع افشاء شدند.

در بخشی از این گزارش، چنین آمده است:

«بایستی **درسیم** محاصره شود. کردها بایستی در جامعه ترک ذوب شده و مستحیل شوند. بایستی نیروهای نظامی به جست و جو در **درسیم** اقدام کرده و ضمن بررسی غارهایی که مردم در آن ها پناه می گیرند، تمامی راه ها، سنگرها و اراضی مردم نیز مورد کنترل قرار گیرند.

برای این که عملیات نظامی به آسانی انجام شود، راه هایی ساخته شود، پادگان های نظامی بنا نهاده شود و هواپیماها بر فراز **درسیم** به پرواز درآیند.»

پس از آن که مصطفی کمال آتاترک در سال ۱۹۲۳ جمهوری ترکیه را تأسیس کرد، یکی از مشکلات پیش روی او خیزش های مردمی به ویژه مردم حق طلب کرد بود که آتاترک در هر گوشه از ترکیه احساس خطر متفاوتی بکند. با این وجود قیام شیخ سعید پیران، در شهر دیاربکر و شهرهای اطراف آن زنگ خطر بزرگی بود. این قیام که تنها دو سال پس از انقراض عثمانیان صورت گرفت، نهایتاً باعث شکست کردها و اعدام شیخ سعید در برابر مسجد جامع دیاربکر شد.

برخی از تحلیل گران و روشنفکران کرد بر این عقیده اند که اساساً نزد شیخ سعید به عنوان یک رهبر دینی چیزی به نام حق طلبی وجود نداشته و در دوران اوج اقتدار عثمانیان، او روابط مستحکمی با دربار عثمانی داشته و ترس و دغدغه ای که او را وادار به جنگ با کمالیست ها کرد، این بود که شیخ سعید شافعی مذهب، بر اساس عقاید فقه خود، سقوط امپراتوری عثمانی را نه سرنگونی دستگاه فساد و تباهی، بلکه شکست و تباهی دستگاه خلافت مسلمین دانسته و همه هراس وی آن بود که مصطفی کمال با ترویج اندیشه های ضد دینی، بنیان ایمان و عقاید مسلمین را به لرزه درآورد.

با وجود آن که به دستور آتاترک، دادگاه های موسوم به محاکم استقلال در مدت زمانی کم تر از ۲۴ ساعت شیخ سعید و همراهانش را اعدام کردند، اما ترس حکومت نوپای جمهوری ترکیه از **درسیم** و سیدرضا سرچایش بود. با این وجود دیگر خطراتی که کشور را تهدید می کرد، به آتاترک اجازه نداد که در همان دوران و در سالیان ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ میلادی آتش زیر خاکستر **درسیم** را نیز خاموش کند.

اگر چه پس از اعدام شیخ سعید پیروان و همراهانش، کردهای کرمانج، دیگر هم چون گذشته تهدیدی جدی علیه حکومت به حساب نمی آمدند و سران اغلب عشایر هوادار شیخ، با دولت توافق و سازش کردند، اما در منطقه مرتفع و کوهستانی **درسیم**، هم چنان حالت عادی در روابط و مناسبات حکومت و مردم وجود نداشت. چرا که مردم این منطقه هنوز هم اعتمادی به حکومت نداشتند و زخم هایشان ترمیم نیافته بود.

در سال ۱۹۳۵ آتاترک دستور داد تا قانونی با شماره ۲۸۸۴ در مجلس ملی ترکیه به نام «قانون جدید اداره ولایت تونجلی» آماده شود. آتاترک در این قانون نامه، رسماً نام **درسیم** را به تونجلی تغییر داد. وی در سال ۱۹۳۷ تصمیم گرفت برای افتتاح یک پل به **درسیم** برود اما سیدرضا و تفنگچی هایش که از قانون جدید ناراضی بودند و خبر داشتند که آتاترک برای فتح **درسیم** نقشه های تازه ای کشیده، پاسگاه کنار پل را با ۳۳ نفر نیروی نظامی آن نابود کردند.

این موضوع آغاز یک جنگ تمام عیار بین نیروهای سیدرضا و آتاترک بود. ژنرال عبدالله آلپ دوغان از سوی مصطفی کمال آتاترک رسماً مأمور شد تا به **درسیم** رفته و نیروهای نظامی را به منظور فتح مواضع کوهستانی و

روستائی علویان فرماندهی کند. در این جنگ نیروهای دولتی شکست سنگینی خوردند و صدها قبضه سلاح آنان غنیمت گرفته شد.

ژنرال آلپ دوغان، تصمیم گرفت از زنی کمک بگیرد که نزد مصطفی کمال از جایگاه ویژه ای برخوردار بود و او زن جوانی به نام صبیحه گوکچا، فرزندخوانده و تحت حمایت آتاترک بود که به دستور و با حمایت او خلبانی را فرا گرفته و نام او به عنوان نخستین زن خلبان ترکیه ثبت شده بود.

وی در خارج از ترکیه دوره های خود را به پایان برده بود و جنرال از وی خواست تا برای بمباران در سیمیان شخصاً از آتاترک اجازه و امکانات بگیرد. در مدت دو روز همه چیز مهیا شد و گوکچا به اتفاق دو خلبان دیگر با سه فروند هواپیمای فرانسوی همه مواضع، دره ها و روستاهای در سیمیان را بمباران کردند و صفوف تفنگچیان از هم پاشیده شد. حکومت از سید رضا خواست که به پای میز صلح و مذاکره بیاید. سید رضا به اتفاق پسر ۱۶ ساله خود و پنج تفنگچی معتمد که از فرزندان سران عشایر بودند نزد جنرال رفت و او خلاف تعهداتی که داده بود، آن هفت تن را اعدام کرد. به دنبال این رویداد، دو بار دیگر کردها برای انتقام خواهی سیدرضا عصیان کردند و دولت به منظور خاموش کردن آنان در سال ۱۹۳۸ در یک حمله گسترده با کشتن ۱۵ هزار مرد و زن و کودک و سال خورده علوی، اراده آنان را در هم شکست و بدین ترتیب، عصیان علویان به رهبری سیدرضای زازای در سیمی سرکوب شد.

در یکی از اسناد ثبت شده مجلس ملی ترکیه که متن یک تلگراف ارسالی از سوی مصطفی کمال آتاترک برای عصمت اینونو رئیس جمهور وقت ترکیه است، از این عملیات به عنوان «یک حرکت فوق شعور و مسؤلیت ملی» یاد شده است. در این تلگراف آمده است: «تسلیم شدن سیدرضا راه را برای اصلاحات و اقتدار جمهوری باز می کند و سرفروید آوردن وی نشانه پیروزی حرکات فوق شعور و ستودنی ما در در سیم است.» کشف این سند نشان می دهد که مصطفی کمال آتاترک، از کشتار حدود ۱۵ هزار کرد در سالیان ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ میلادی قاطعانه حمایت کرده است.

در خصوص نحوه انجام این تصمیمات یک نظامی به نام «آپکول» که به تیپ ۲ در سیم اعزام شده بود، گفته است: «وقایعی اتفاق افتاد که قادر به بیان آن نیستم. وقایعی که خارج از انسانیت بودند. زنان و کودکان، را زنده زنده می سوزاندند. نیروهای نظامی منازل مردم را آتش می زدند.

مردم زیادی فرار کرده و خود را به رودی انداختند و تعدادی دیگر به غارها پناه برده بودند. افرادی نیز با عبور از رود مونزور به مناطق دیگر پناه برده بودند. نظامیان غارها را هم آتش می زدند.

نظامیان بازداشت شدگان را روی هم قرار داده و زنده زنده می سوزاندند. آن ها، هم چنین سنگ را به سر کودکان کوبیده و آنان را می کشتند.

مردم زیادی در در سیم کشته شدند. کسی قادر نبود به علت بوی جنازه ها از رودخانه قوته رد شود. مردم را کشته و به رودخانه انداخته بودند. فاجعه ای به این شکل هرگز دیده نشده است. آن ها، هم چنین اقدام به تعرض جنسی به زنان می کردند.»

احسان صبری چاگلایانگیل نیز، که در آن زمان وزیر خارجه ترکیه و معاون نخست وزیر بود در مورد این کشتار سخن گفته است. او در سال ۱۹۸۶ در مورد این کشتار گفته بود:

«مردم به غارها پناه برده بودند، ارتش ترک گاز کیمیائی علیه این غارها به کار گرفت. مانند موش ها آن ها را با سم کشتند. از کودکان ۷ ساله تا ۷۰ ساله در این کشتار کشته شدند.

در کشتار در سیم ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر کشته شدند. اما دولت به طور رسمی شمار کشته شدگان را ۱۲ هزار نفر اعلام کرد.

یک گروه مستندساز با سربازان پیر دوران کشتار کردهای درسیم مصاحبه کرده و پرده از جنایات آن دوران برداشته است.

به گزارش خبرگزاری کردپرس به نقل از روزنامه طرف، یک گروه مستند ساز تلویزیونی توانسته است با چند تن از پیرمردهایی که در دوران کشتار کردهای درسیم به عنوان سرباز در آن واقعه دست داشته اند، مصاحبه کند.

فایق باشکان، نام پیرمرد ۱۰۸ ساله ای است که در سن ۳۰ سالگی به سربازی رفته و از نظامیانی بوده که در گروهان ویژه سرکوب کردهای درسیم فعالیت کرده است.

وی می گوید: «در حضور خداوند شهادت می دهم که در حق کردها خیانت شد و نباید به آن شکل وحشیانه و خشن با آن ها برخورد می شد. ما بسیاری از روستائیان فراری را در جنگل دستگیر می کردیم و آنان را به گروهان سیار ژاندارمری می سپردیم. ژاندارم ها پس از تیرباران این روستائیان جسد آن ها را می سوزاندند و در جنگل رها می کردند.»

باشکان در ادامه و درباره نگاه فرماندهان نظامی آن دوران نسبت به کردها می گوید: «تنها جرم کردها این بود که حاضر نبودند سرباز در اختیار دولت بگذارند و غیر از این هیچ جرم دیگری نداشتند و اغلب آنان به شدت فقیر و گرسنه و محروم بودند.»

وی در ادامه به این موضوع اشاره می کند که گروه های کثیری از زنان و دختران کرد روستاهای درسیمی به مکان های نامعلومی منتقل شده و کودکان نیز یا از سرما و گرسنگی مرده اند یا به عنوان کلفت و خدمتکار به خانه های بزرگان فرستاده شده اند.

روزنامه زمان ترکیه، که از لحاظ فکری حامی اندیشه های حزب حاکم «عدالت و توسعه» است، با پیرمرد ۱۰۳ ساله ای مصاحبه کرده که خود یکی از مأموران و شاهدین رویداد تاریخی کشتار کردها است.

«محمد علی دوغان آر» که هم زمان با آغاز رویدادهای سال ۱۹۳۶ به عنوان افسر پولیس در شاخه اطلاعات و زیر نظر جنرال عبدالله آلب دوغان فعالیت کرده، می گوید: «ما ابتداء و سالی عشایر علوی درسیم را به الازغ بردیم و از آنان خواستیم با دولت توافق کنند. یک ماه اقامت آنان نزد مقامات طول کشید اما کوتاه نیامدند. وقتی که حملات شروع شد، ۳۶ بار لشکرکشی گسترده و پراکنده در همه مناطق صورت گرفت و فارغ از این که زن و کودک و پیر و جوان برابر نظامیان است، به همه شلیک کردند و مرگ صدها زن و کودک را در همه روستاها به چشم خود دیدم.»

این پیرمرد ۱۰۳ ساله در ادامه و در پاسخ به سوالات دیگر می گوید: «من حتی در این سن نیز جرأت ندارم همه چیز را بازگو کنم.» آتاترک برای آن که این کشتار عظیم را در میان رسانه ها و افکار عمومی توجیه کند، سیدرضا را جاسوس فرانسه، انگلیس و روسیه قلمداد کرده و مدعی شد که وی برای براندازی جمهوری، از دو کشور روسیه و سوریه سلاح و مهمات و از فرانسه و انگلیس، پول و دستور گرفته است.

رجب طیب اردوغان در تاریخ ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱ طی یک سخنرانی در جلسه «حزب عدالت و توسعه» ضمن نشان دادن یک سند مربوط به ۹ اگست ۱۹۳۹ گفت در این واقعه ۱۳ هزار و ۸۰۶ نفر از اهالی درسیم کشته شده اند. او، هم چنین از یک سند دولتی دیگر خبر داد که در آن تعداد کشته شدگان درسیم ۱۱ هزار و ۶۸۳ نفر عنوان شده است. اردوغان از طرف دولت ترکیه، به خاطر این وقایع عذرخواهی کرده است.

دولت رجب طیب اردوغان، اعلام کرده که نام قدیمی درسیم باید بازگردانده شود. اردوغان از حزب جمهوری خلق (یگانه حزب دوران کشتار درسیم) خواسته که از کردها عذرخواهی کند. هم اکنون رهبری این حزب در دست «کمال قلچداراوغلو» است که خود وی نیز از کردهای درسیم است و حزب وی در مجلس ملی ترکیه و در جایگاه مهم ترین حزب مخالف است.

اخیراً ستاد فرماندهی نیروهای مسلح ترکیه ۱۱ هزار سند تاریخی کشتار علویان در سال ۱۹۳۷ را رسماً به مجلس ملی ترکیه تحویل داد و به نظر می‌رسد که دولت اردوغان، از این اسناد به بهترین شیوه ممکن علیه حزب جمهوری خلق بهره برداری خواهد کرد.

البته اردوغان قصد دارد از کشتار کردهای در سیم به عنوان اهرم فشاری بر حزب جمهوری خلق، اصلی‌ترین رقیبش بهره جوید.

بنیاد حقوق بشر دیاربکر (İHD) اعلام کرده که در سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ بیش از پنج هزار نفر از شهروندان عادی کرد در ترکیه توسط واحد اطلاعات و ضدترور ژاندارمری (JITEM) کشته شده‌اند و اجساد اغلب این قربانیان کشف نشده است.

به گفته کمیته حمایت از روزنامه نگاران، ۷۰ درصد از روزنامه نگاران که در سال ۲۰۱۲ در ترکیه زندانی شده‌اند، کرد بودند و در این سال ترکیه بزرگ‌ترین زندان روزنامه نگاران در جهان بوده است.

این که امروز بعد از گذشت ۷۷ سال از این فاجعه، یکی از بالاترین مقامات دولت ترکیه بالاخره به قتل عام مردم کرد در منطقه درسیم اعتراف می‌کند، روشن است که نمی‌تواند انسان‌هایی که بی‌رحمانه نابود شدند را بازگرداند و درد و مشقت مردم را کاهش دهد. آن هم کسی که خودش در این بیش از یک دهه گذشته در قدرت بوده هم چنان به سرکوب و کشتار مردم کرد ادامه می‌دهد.

اما این اعتراف در مبارزه حق طلبانه مردم مناطق کردنشین برای رهائی از تبعیض و ستم ملی بسیار مهم است. زیرا می‌تواند علیه خود ستمگران و دولت کنونی به کار گرفته شود.

هم اکنون هزاران نفر از مردم کردستان در زندان‌های ترکیه به سر می‌برند. عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک از سال ۹۹ تاکنون، تنها زندانی در جزیره ايمرالی در حومه استانبول است. آیا اردوغان و دولتش مرتکب جنایت علیه مردم کرد نشده‌اند؟!

طی قرن‌های اخیر تاکنون تاریخ بشر پر است از فجایعی بسیار دردناک و فراموش‌نشده‌ای که ناسیونالیست دست در دست مذهب گوناگون به سر مردم آورده‌اند. حکومت‌های مختلف بورژوازی از مدل نظامی و ناسیونالیستی گرفته تا مذهبی و لائیک، بی‌رحمانه مخالفان خود و مردم حق‌طلب و عدالت‌جو را کشتار کرده‌اند. یادآوری تاریخ تاکنونی بشر، دردناک و شرم‌آور است. باید از این تاریخ درس گرفت.

کشتار مردم کرد در منطقه «درسیم» و یا کشتار میلیونی ارمنی‌ها و آسوری‌ها، نمونه‌های تکان‌دهنده‌ای از این تاریخ محسوب می‌شوند.

اما این حقیقت را نباید نادیده گرفت و آن هم این است که مردم هرچه وسیعتر با گذشته خود و واقعیت‌های تاریخی‌شان آشنا شوند به همان نسبت نیز می‌توانند از تکرار این رنج و عذاب‌های تاریخی جلوگیری کنند.

یکی از غارهای معروفی که انسان‌های زیادی در آن کشته شدند غاری به نام قمر است که اهالی درسیم هر ساله در چنین روزی با حضور در این غار ضمن گرامیداشت یاد قربانیان نسل‌کشی خواهان قبول رسمی این قتل عام از سوی حکومت و پرداخت غرامت می‌شوند.

با وجود آن که ۷۷ سال از این رویداد گذشته اما هنوز هم زخم‌های مردم درسیم از این اقدام وحشیانه ترمیم پیدا نکرده است.

یاد همه انسانی‌هایی که در این قتل عام‌ها جانشان را از دست دادند گرامی باد!

یک شب چهاردهم اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۳ - چهارم می ۲۰۱۴